

میان رودان باستان در سپیده دم تمدن

تحول در چشم انداز شکل‌گیری شهر

گیلرمو الغازه

مترجم

زهره عطایی آشتیانی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تهران، ۱۳۹۷



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تهران، صندوق پستی ۱۴۱۵۵-۶۴۱۹، تلفن: ۸۸۰۴۶۸۹۱-۳، فکس: ۸۸۰۳۶۳۱۷

میان روادان باستان در سپیده دم تمدن

تحول در چشم انداز شکل گیری شهر

مؤلف: گیلرمو الغازه

مترجم: زهره عطایی آشتیانی

مدیر انتشارات: ناصر زعفرانچی

ویراستار: شاهین آریامنش

صفحه آرا: معصومه لوایی

نمونه خوان: اشرف آراسته

نسخه پرداز: فاطمه آقاجانی

مسئول فنی: عرفان بهاردوست

اجرای جلد و ناظر چاپ: مجید اسماعیلی زارع

چاپ اول: ۱۳۹۷

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

چاپ و صحافی: تفرید

حق چاپ برای پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی محفوظ است.

سرشناسه: الغازه، گیلرمو، ۱۹۵۴ - م.

Algaze, Guillermo

عنوان و نام پدیدآور: میان روادان باستان در سپیده دم تمدن: تحول در چشم انداز شکل گیری شهر / گیلرمو الغازه؛ مترجم زهره عطایی آشتیانی؛ ویراستار شاهین آریامنش.

مشخصات نشر: تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۶.

مشخصات ظاهری: س، ۳۰۸ ص: تصویر، جدول، نقشه.

شابک: ۸- ۹۷۸-۹۶۴-۴۲۶-۹۳۱

وضعيت فهرست نویسي: فیبا

یادداشت: عنوان اصلی: the evolution of an ..., 2008.

یادداشت: کتابنامه: ص [۵۵] - ۱

یادداشت: نمایه.

عنوان دیگر: تحول در چشم انداز شکل گیری شهر.

موضوع: شهرها و شهرستانهای باستانی — عراق

موضوع: Cities and towns, Ancient -- Iraq

موضوع: شهرسازی — عراق

موضوع: City planning -- Iraq

موضوع: بازرگانی ماقبل تاریخ — عراق

موضوع: Commerce, Prehistoric -- Iraq

موضوع: عراق — تمدن — پیش از اسلام

موضوع: Iraq -- Civilization -- To 634

شناسه افزوده: عطایی آشتیانی، زهره، ۱۳۹۰ - ، مترجم

شناسه افزوده: Attaie Ashtiani, Zohreh

شناسه افزوده: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

شناسه افزوده: Research Institute for Humanities and Cultural Studies

ردی فینی: کنگره: ۱۳۹۶ م ۹ / ۱۱۴

ردی فینی: ۹۳۵ / ۷۶۷

شماره کتابشناسی ملی: ۳۷۴۵۰۶

فهرست مطالب

قدرتانی مترجم ط

قدرتانی نویسنده م

پیش درآمد ۱

فصل اول: جهش سومری ۹

چشم اندازهای طبیعی و خلق شده ۱۱

وارونگی اقبال ۱۳

مباحث آتی ۱۶

فصل دوم: عواملی که در ک ما را از جهش سومری محدود می کنند ۲۳

محدودیت های شواهد مادی ۲۵

مشکلات مفهومی ۲۸

مشکلات روش شناختی ۴۰

فصل سوم: مدل سازی پویای رشد شهری ۴۷

رشد در نتیجه تنوع واگرایی، تمایز بخشی ۵۱

رشد در نتیجه تخصصی کردن ۵۴

فهرست مطالب

قدردانی مترجم ط

قدردانی نویسنده م

پیش درآمد ۱

فصل اول: جهش سومری ۹

چشم اندازهای طبیعی و خلق شده ۱۱

وارونگی اقبال ۱۳

مباحث آتی ۱۶

فصل دوم: عواملی که در ک ما را از جهش سومری محدود می کنند ۲۳

محدودیت های شواهد مادی ۲۵

مشکلات مفهومی ۲۸

مشکلات روش شناختی ۴۰

فصل سوم: مدل سازی پویای رشد شهری ۴۷

رشد در نتیجه تنوع واگرایی، تمایز بخشی ۵۱

رشد در نتیجه تخصصی کردن ۵۴

رشد موقعیت‌محور (زمان و مکان) ۵۸

رشد نهادینه‌شده ۵۹

فصل چهارم: شهرنشینی در میان‌رودان باستان: چرا؟ ۶۵

مزایای زیست‌محیطی ۶۷

مزایای جغرافیایی ۷۷

مزایای رقابتی و نسبی ۹۲

فصل پنجم: شهرنشینی در میان‌رودان اولیه: چگونه؟ ۹۵

رشد اقتصادهای اولیه شهری در میان‌رودان ۹۷

گسترش اوروک ۱۰۱

تأثیرات چندگانه ۱۰۷

فصل ششم: مدارک مربوط به اهمیت تجارت ۱۳۱

فصل هفتم: میان‌رودان اولیه در چشم‌اندازی تطبیقی ۱۴۳

جهت‌گیری‌های شواهد ۱۴۵

شهرسازی شکوفا در میان‌رودان آبرفتی ۱۴۷

برتری وارکا: مکان، مکان، مکان ۱۵۵

شهرسازی نارس در میان‌رودان علیا ۱۶۳

فصل هشتم: هم‌افزایی‌های (سودمندی‌های) تمدن ۱۷۱

مجاورت و پیامدهای آن ۱۷۳

بررسی مجدد انقلاب شهری ۱۸۹

پیوستگی (اتصال) میان رودان ۱۹۵

جوامع اولیه سومریان: دستور کار تحقیق ۲۰۷

فصل نهم: نتیجه‌گیری ۲۰۵

پیوست یک ۲۲۵

پیوست دو ۲۳۳

یادداشت‌ها ۲۳۹

کتاب‌نامه ۲۵۵

نمایه ۳۰۳

قدردانی مترجم

اواخر سال ۱۳۹۰ هنگامی که برای مطالعه اولیه جهت پیشنهاد طرح پژوهشی «جایگاه زنان در تمدن میان‌رودان» در جستجوی منابع داخلی و خارجی بودم، متوجه شدم پدیدآورندگان آثار و محققان در این حوزه بیشتر با دیدگاهی انتزاعی به بررسی جنبه‌های مختلف میان‌رودان باستان پرداخته‌اند. به عبارتی، آنان در تجزیه و تحلیل‌های خود کمتر به عوامل متعدد دخیل در تغییرات تاریخی و تأثیر هریک در دیگری توجه داشته‌اند و بیشتر در سطوح مختلف زمانی و مکانی عهد باستان با یک رویکرد تخصصی چون باستان‌شناسی، اسطوره‌شناسی، تاریخ و... دقیق شده‌اند. این روش موجب شده است این برهه تاریخی با زبان افسانه و سلیقه‌ای نمایانده شود؛ در نتیجه بر ابهام در شناخت و نحوه ساخت جوامع اولیه افزوده شده است.

تحقيقی که در قالب کتاب «میان‌رودان باستان در سپیدهدم تمدن: تحولی در چشم‌انداز شهری» تدوین شده است دیدگاه مرا در جایگاه پژوهشگر از مقطعی تاریخی و مکانی شاخص به لحاظ ظهور تمدن تغییر داد.

کتاب Ancient Mesopotamia at the Dawn of Civilization چاپ دانشگاه شیکاگو در سال ۲۰۰۸، حاصل پژوهشی جامع با حمایت بنیاد مک، آرتور است که روند سازمان‌بافتن دولت - شهرهای اولیه و تاثیرات نظام اقتصادی، تراکم جمعیت، منابع و

مزیت‌های طبیعی در قوام شهر را در دوره باستان، تشریح می‌کند.^۱

این اثر ارزشمند عصارة تفکر دکتر گیلرمو الغازه درباره نحوه توسعه جامعه میان‌رودان جنوبی است و مکمل اثر قبلی نویسنده با عنوان نظام جهانی اوروپ: دینامیزم گسترش تمدن میان‌رودان (۲۰۰۵) است؛ با این تفاوت که در اثر جدید استدلال‌های محکم‌تر و نظریه‌پردازی نوین در این حوزه به همراه تجزیه‌وتحلیل یافته‌های پراکنده از مزیت‌های محیطی، این اثر را از سایر تحقیقات مشابه تمایز می‌کند. این کتاب علاوه بر اینکه پژوهشی مطمئن و با ارزش است و خواننده را به فکر وا می‌دارد، گنجینه‌ای از اطلاعات مرتبط با لحظه بسیار مهم تاریخی یعنی ظهور شهرها است که به طرز هوشمندانه‌ایی تجزیه‌وتحلیل شده است و می‌تواند به عنوان مدلی برای تطبیق یافته‌های جغرافیایی و اقلیمی نوین با داده‌های باستان‌شناسی و تاریخی مورد استفاده قرار گیرد.

جا دارد سپاسگزار ریاست محترم پژوهشگاه مرحوم دکتر صادق آینه‌وند (ره) و جناب آقای دکتر قبادی که زمینه انجام این فعالیت را فراهم آورده، باشم. همچنین قدردان پشتیبانی و حمایت جناب آقای دکتر نصراللهزاده و دکتر تنکابنی رئیسی محترم مرکز اسناد فرهنگی آسیا هستم، این اثر به زینت طبع آراسته نمی‌شد مگر با تلاش همکار بزرگوار جناب آقای زعفرانچی و همکارانشان در بخش انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی که سپاسگزار زحمات ایشان هستم.

در پایان از سرکار خانم نازین صفوی که زحمت ویراستاری بخش‌هایی از کتاب را تقبل نمودند و جناب آقای شاهین آریامنش که ویرایش علمی کتاب را به عهده گرفتند صمیمانه تشکر می‌نمایم.

کتاب دکتر گیلرمو آلگازه می‌تواند برای تمام محققین چه در حوزه مطالعات تاریخی و چه اجتماعی و میان‌رشته‌ای مفید باشد. چراکه با گردآوری مجموعه تحلیل‌ها و بررسی‌های دقیق و حرفه‌ای پژوهش‌های موجود در این زمینه گمانه‌های جدیدی از جمله بررسی متغیرهای فضایی مرتبط با شهر در این حوزه را مطرح نماید که می‌تواند منشاء

قدرتانی مترجم ک

نظریه‌پردازی‌های نوین در تاریخ باستان در این منطقه باشد.

مترجم

پی‌نوشت‌ها

۱. ترجمه این کتاب در حال آماده‌سازی برای چاپ در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی است. طی مکاتبه‌ای با نویسنده کتاب آقای دکتر گیلرمو الغازه، استاد بخش انسان‌شناسی دانشگاه سن دیگو کالیفرنیا و برنده جایزه بنیاد مک آرتور، موافقت ایشان را برای ترجمه کتاب دریافت نمودم و از شهریور ماه ۹۱ تا ۹۲ به تدریج به ترجمه آن پرداختم لازم به ذکر است، متن کتاب به دلیل تولید مفاهیم جدید زمان زیادی را به خود تخصیص داد.

قدرتانی نویسنده

این کتاب به روش شرح و توضیح واقعیات موجود بر مبنای پذیرش و تأیید جمعی از دانشگاهیان در طول سال‌ها شکل گرفته است. لازم است اشاره کنم هیچ فرد دانشگاهی بیش از رابت مک کرمیک آدامز^۱ بر دورنمای روشنگرانه من تأثیر نداشته است. او فردی است که با فعالیت زیربنایی خود، یعنی پژوهش درباره بخش‌های وسیعی از آبرفت‌های باستانی میان‌رودان، نقطه عطفی برای هرگونه تلاش بهمنظور طرح و رسم خط سیر دگرگونی و تکامل در تشکیلات موفق اجتماعی در جنوب عراق از دوران پیش‌ازتاریخ به بعد را شکل داد. آدامز پیش‌نویس این کتاب را مکرراً خواند و هربار نظر و انتقادهای ضروری و سرشار از فکر و خلاقیت خود را بیان کرد. (آدامز، ۲۰۰۵)

نکته مهم دیگر اینکه او در فرایند مداوم بررسی، روش‌های جدید پژوهشی را بیان کرد که دربرگیرنده پیشنهادهای پیچیده و مهمی بود که به تعییرات کتاب و گسترش اهداف آن انجامید.

دیگران نیز به همین صورت کمک‌های زیادی کردند. از آقای کلینت بالینگر^۲ تشکر می‌کنم، زیرا او با بخشنده‌گی و لطف خویش مرا در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه کارولینای شمالی سهیم و با این کار خود، مرا با مفهوم «بهره‌وری رقابتی» (نک: فصل ۳) آشنا کرد؛ تفکری که در این کتاب به عنوان یک اصل

طرح می‌شود.

من به جنیفر پورنل^۳، اولین دانشجوی دکتری خود در دانشگاه کالیفرنیا سان‌دیه‌گو (UCSD) نیز مدیونم. بسیاری از نظریه‌های ارائه شده در فصل ۴ مبتنی بر گفت‌و‌گوهای پرشمار و همواره روشنگر با جنیفر و همین‌طور مطالعه دقیق مقاله درخشنان او است؛ که از تصویری حسی از دوردست برای ارزیابی مجدد زمینه زیست‌محیطی آبرفت‌های میان‌رودان در هزاره چهارم پیش از میلاد گرفته شده بود.

همچنین از دوستان و هم‌دوره‌ای خود که پیش‌نویس‌های ابتدایی این کتاب را مطالعه و پیشنهادهای بالرزش انتقادی، توصیه‌های متعدد نوشتاری و منابع از قلم افتدۀ را ارائه دادند، بسیار ممنونم؛ به خصوص از رابت درننان^۴ از دانشگاه پتزبورگ، جویس مارکوس^۵ از دانشگاه میشیگان، جوی مک‌کوریستون^۶ از دانشگاه ایالتی اوهايو، مایکل رزنبرگ^۷ از دانشگاه دلاوار و درنهایت از دانلد توژین^۸ از دانشگاه UCSD و داکلاس وايت^۹ از دانشگاه آیروین کالیفرنیا و دو نفر از نمونه‌خوانان گمنام انتشارات دانشگاه شیکاگو باید سپاسگزاری کنم.

بی‌گمان، سهم این دانشگاهیان در این کتاب بسیار تعیین‌کننده بود، اگرچه گهگاهی بدون شک به ضرر من تمام شد، ولی من از آن بخش از توصیه آنان چشم‌پوشی می‌کنم. همین‌طور، تمامی خطاهای موجود به‌دلیل حذف و تبدیل‌های فراوان از این جانب است. شکل نهایی کتاب و نوع نوشتار آن مدیون پیشنهادهای نوشتاری و اصلاحات دستوری همسرم سوزان بیکر الغازه^{۱۰} است. او جزو گروهی از همکاران است که من جرئت نمی‌کنم به آنها بی‌توجه باشم. آخرین موردی که با بیشترین اطمینان و نه کمترین باید بگویم، اینکه این کتاب تهیه نمی‌شد مگر با پشتیبانی سخاوتمندانه بنیاد مک‌آرتور^{۱۱} که با پذیرفتن من به عنوان دانشجو، زمان زیادی را برای تحقیق با آرامش و آسودگی خاطر برای انکاس ذهنم فراهم آورد. در اینجا، مراتب قدردانی خود را از کمک ایشان اعلام می‌کنم.

پی‌نوشت‌ها

1. Robert McCormick Adams
2. Clint Ballinger
3. Jennifer Pournelle
4. Robert Drennan
5. Joyce Marcus
6. Joy McCorriston
7. Michael Rosenberg
8. Donald Tuzin
9. Douglas White
10. Susan Becker Algaze
11. McArthur

پیش درآمد

چارلز تیلی^۱ در کتاب سازه‌های بزرگ، فرایندهای عظیم و مقایسه‌های کلان^۲ چهار سطح ممکن (و مکمل) تحلیل را متمایز می‌کند که دانشمندان اجتماعی می‌توانند برای درک تغییرات اجتماعی استفاده کنند (تیلی، ۱۹۸۴: ۶۵-۶۰). گستردگی این سطوح به ترتیب نزولی عبارت است از جهان - تاریخی،^۳ جهان - سازمانی،^۴ کلان تاریخی^۵ و خردتاریخی.^۶ مطابق گفته تیلی، گستردگی ترین سطح، تحلیل جهان - تاریخی اساساً به مطالعات تطبیقی در طی بازه‌های زمانی طولانی نظری «الگوهای تکامل انسان، (الگوهای) برآمدن و سقوط اپراتوری‌ها و روش‌های موفق تولید» می‌پردازد.

در این سطح، «فرایندهای مرتبط با تحلیل شامل تغییر شکل (دگرگونی)، اتصال و پیشرفت سیستم‌های جهان» جای دارند. سطح پایین‌تر از نظر گستردگی بررسی‌های جهان - سازمانی است، اصطلاحی که تیلی از اثر والرستاین^۷ (۱۹۷۴) و پیروانش برگرفته است. این مطالعات درباره «شبکه‌های بزرگ... از نظر جغرافیایی مجزا و... ساختارهای اجتماعی شدیداً بهم وابسته» هستند که در هر دوره تاریخی مشخص وجود داشته‌اند. در مقابل، سطح سوم - تحقیق کلان تاریخی - بر تک‌تک جوامع تشکیل‌دهنده سازمان‌های بزرگ‌تر جهانی تمرکز دارد و «می‌کوشد ساختارهای بزرگ و فرایندهای عظیم خاص را در نظر گرفته، اشکال مترادف آنها را ترسیم کند». این سطحی از «تاریخ است که معمولاً مورخان با آن سروکار دارند». همچنین سطحی است که «برای تجزیه و تحلیل مؤثر فرایندهایی نظری تشکیل گروه کارگران^۸، شهرنشینی^۹، انباشت سرمایه^{۱۰}، دولتسازی^{۱۱} و

تشکیل دیوان‌سالاری^{۱۲} به کار برده می‌شود.» آخرین سطح که به صورت دقیق‌تری در دیدگاه تحلیلی تیلی مورد توجه قرار گرفته است سطح خردتاریخی است که در آن «رویارویی اشخاص و گروه‌ها را با ساختارها و فرایندهای کلان‌تاریخی دنبال می‌کنیم». به نظر من، الگوی تحلیلی تیلی در مفهومی‌سازی (واژه‌سازی) جوانب مختلف علایق تحقیقاتی در دست انجام من درباره ظهور تمدن سومری^{۱۳} - که اولین تمدن جهان شناخته می‌شود - در امتداد زمین‌های پست آبرفتی رودخانه‌های دجله و فرات در نیمة دوم هزاره چهارم پیش از میلاد کاملاً کاربردی است^[۱]. نوشه‌های پیشین من درباره این موضوع (نک: الغازه، ۱۹۸۹، ۱۹۹۳ [تجددیدنظرشده در ۲۰۰۵، ۲۰۰۱ ب]) که بر فرایندهای گسترش بیرونی در جهت ظهور تمدن سومری تمرکز دارند، اساساً با مناطق حاشیه‌ای نگاشته شده‌اند. این آثار آشکارا دیدگاه جهان - سازمانی دارند. در مقابل، کتاب حاضر از دیدگاه مناطق مرکزی میان‌رودان نوشته شده است و بر نیروهای مؤثر در میان‌رودان جنوبی تمرکز می‌شود که به جوامع آبرفتی اولیه اجازه می‌دهند از رقبای معاصر خود جلو بیفتدند و در مکان اولیه خود گسترش یابند؛ بنابراین، تمرکز آن به‌طور مضاعف در گستره چشم‌اندازهای کلان‌تاریخی تیلی قرار دارد.

از نظر من، دیدگاه‌های تحلیلی کلان - تاریخی و جهانی - سازمانی کاملاً مکمل هم‌دیگرند و زمانی که باهم مورد استفاده قرار می‌گیرند، ما را قادر می‌سازند تا برآمدن تمدن اولیه سومری را بهتر درک کنیم. برای ارزیابی علت این امر، لازم است خطوط اصلی استدلال پیشنهاد شده در اثر قبلی ام را به‌طور مختصر بازگو کنم و توضیح دهم که چگونه ایده‌های ارائه شده در اینجا با آن متناسب است و آن را شرح می‌دهد.

در ابتدا چنین استدلال کردم که در طول دوره اوروک^{۱۴} (۳۸۰۰/۳۹۰۰ تا ۳۱۰۰/۳۲۰۰ پیش از میلاد) زمین‌های پست آبرفتی میان‌رودان جنوبی میزبان چند دولت - شهر از نظر سیاسی تقسیم‌شده، ولی از منظر فرهنگی هماهنگ، بودند که به عنوان یک گروه در آسیای جنوب غربی آن زمان همتایی نداشتند. به دلایلی که کاملاً برما روشن نیست، اما ممکن است با پویایی رقابت داخلی بین این دولتها بسیار مرتبط باشند، برخی مردم اوروک در دشت شوش خوزستان (جنوب‌غربی ایران) که در نزدیکی آنها قرار داشت، سکنی گزیدند؛ درحالی که سایر مهاجرنشین‌ها خود را در مکان‌هایی اسکان دادند که از نظر حمل و نقل تجاری در سرتاسر میان‌رودان حائز اهمیت بود؛ پیوندگاه‌هایی که

رودخانه‌های خروشان و حاری از شمال به جنوب، خاک زمین‌های بلند اطراف و مسیرهای شرق به غرب در امتداد دشت‌های هموار میان‌رودان علیا را به آنجا سوق می‌دادند. تفسیر من از موقعیت سوق‌الجیشی (نظمی) این استقرارها در بسیاری از نقاطِ دارای همگرایی طبیعی در مسیرهای درون‌منطقه‌ای (زمینی) و بین‌منطقه‌ای (آبی) این است که عملکرد اساسی آنها جهتنمایی مجدد بخشی از کالاهایی بود که از مسیرهای تجاری میان‌رودان علیا و ارتفاعات، به‌سمت جوامع (دولت‌های) جنوبی جریان داشته‌اند که احتمالاً به‌علت موقعیت ممتاز خود در بین نقاط پرتراکم حمل و نقل، از شرایط فوق العاده مطلوب تجاری برخوردار بودند.

در نهایت، به این نتیجه رسیدم که تأثیر تبادل بین میان‌رودان و جوامع (دولت‌های) اطراف آن ذاتاً نامتقارن بوده است، زیرا به استثنای فلات، این منطقه دارای ویژگی تبادل اندک کالاهای فراوری‌شده یا انبوه مواد خام اطراف در مقابل کالاهای فراوری‌شده گران‌قیمت بود که در شهرهای جنوبی میان‌رودان ساخته می‌شدند. این امر به دولت شهرهای اوروک اجازه می‌داد منابعی را از محیط‌های پهناور اطراف خود جمع‌آوری کنند که به‌طور کلی کنترل سیاسی مستقیمی بر آنها نداشتند. به این دلیل، مهاجرنشین‌های اوروک در سرتاسر نواحی اطراف میان‌رودان می‌توانند خالق ناخواسته اولین سیستم جهانی تصور شوند؛ چراکه نواحی و جوامع (دولت‌های) را که در گذشته مستقل بودند، در درون سیستمی غالب تشکیل شده از رابطه‌های نامتقارن به‌هم وابسته‌ای که اساساً و نه منحصرأً در طبیعت خود اقتصادی بودند، متعدد کردند.

این ایده‌ها از دیدگاه‌های مختلف به‌دقت بررسی شده‌اند (برای نمونه، نک: روتمن^{۱۵}، ۲۰۰۱ و منتقدان و مفسران تفاسیر متعددی را برای مدل سیستم جهانی اوروک ارائه داده‌اند^{۱۶}). در این میان، دو دسته از انتقادها بیش از همه جلب توجه می‌کنند که در کتاب حاضر بررسی شده‌اند.

انتقاد اول این است که در وسط میان‌رودان جنوبی و همسایگان آن، درباره عدم تقارن موجود در نظام فعل و انفعالات بین‌منطقه‌ای در طول هزاره چهارم پیش از میلاد اغراق کرده‌ام. در بیان این استدلال این فرض وجود دارد که جوامع میان‌رودان جنوبی در هزاره چهارم پیش از میلاد مسیح از هیچ‌گونه مزیت فناورانه مشخصی نسبت به سایر جوامع نواحی همسایه برخوردار نبودند و این کمبود مانع ایجاد یک سیستم غالب نامتقارن واقعی

در تعامل منطقه‌ای می‌شد، نظیر آنچه از نظر من در دوره اوروک وجود داشته است.
(کهل^{۱۶}، ۲۰۰۱؛ اشتاین^{۱۷}، ۱۹۹۰الف)

استدلال‌های مربوط به همترازی فناورانه جوامع میان‌رودان و جوامع اطراف آن در هزاره چهارم در ابعاد مختلف مشکل‌آفرین است. اولاً، این استدلال‌ها به صورت ضمنی فرض می‌کنند که «فناوری» فقط به نوآوری‌هایی اشاره دارد که به انسان‌ها اجازه می‌دهد منفعت مادی را از جهانی که در آن زندگی می‌کنند به دست آورده، تغییر دهنده و استخراج کنند. این تعبیر با آنچه جک گودی^{۱۸} (۲۰۰۰) به عنوان انسان‌شناس و مایکل مان^{۱۹} (۱۹۸۳) به عنوان جامعه‌شناس هریک با بیان تمایز خود سال‌ها استدلال کرده‌اند، هم‌راستا نیست. آنان معتقد بودند نوآوری در چگونگی مفهوم‌سازی و تحقق قدرت، چگونگی کنترل و ساماندهی کار و چگونگی جمع‌آوری، پردازش و استفاده از اطلاعات قادر است به همان میزان در توسعه بین جوامع مختلف عدم تقارن ایجاد کند که می‌تواند با عدم تعادل در فناوری‌های مادی ایجاد شود. (گودی، ۲۰۰۰)

دوم، استدلال‌های همترازی این حقیقت را تحریف می‌کند که دو نوع فناوری مادی و اجتماعی (سازمانی) را نمی‌توان بدون اشاره به یکدیگر درک کرد. همانطور که اقتصاددانان اغلب به ما یادآوری می‌کنند، این دوگونه همواره در قالب تعیین دو جانبه وجود دارند: افزایش توانایی در اداره دنیای مادی، نوآوری در فناوری‌های اجتماعی را ممکن می‌سازد که به نوبه خود چهارچوبی را ارائه می‌دهد که در آن فناوری‌های جدید مادی می‌توانند به وجود آیند. (باين‌هوکر^{۲۰}، ۲۰۰۶: ۱۵-۱۴)

سوم، استدلال‌های اولیه مربوط به همترازی فناوری میان‌رودان این امر را در نظر نمی‌گیرند که اثر یک فناوری جدید - چه مادی و چه معنوی - در هر اقتصاد مشخص همیشه دقیقاً به زمانی بستگی دارد که فناوری در چرخه بازخورد سیبریتیک همیشگی بین تولید و مصرف قرار دارد. بازده افزایشی به مقیاس^{۲۱}، اندازه بازار، رشد جمعیت و نوآوری مربوط می‌شود (نک: فصل ۳ و ۸)، بهمین صورت فناوری‌های یکسان اغلب به نتایج کاملاً متفاوتی منجر خواهد شد که توسط جوامع با تاریخ‌های مختلف توسعه اتخاذ شده‌اند. (کروگمن^{۲۲}، ۱۹۹۱: ۴۸۷)

دومین انتقاد اصلی از کار قبلی این بود که میزان پیچیدگی اجتماعی موجود در بخش‌های مختلف نواحی اطراف (محیطی) میان‌رودان در طول هزاره چهارم را دست‌کم

گرفتهام و اینکه این خطای ارزیابی من طبیعت سیستم جهانی اوروک را در حالت کلی ناقص می‌کند (برای نمونه، نک: امبرلینگ^{۳۳} و همکاران، ۱۹۹۹؛ فرانگیین^{۳۴}، ۱۹۹۷، ۲۰۰۱ الف، ۲۰۰۱ ب، ۲۰۰۲؛ اوتس^{۳۵}، ۲۰۰۱؛ اشتاین، ۱۹۹۹ الف، ۲۰۰۱ ب، ۲۰۰۱؛ جی. شوارتز^{۳۶}، ۲۰۰۱؛ ویلکینسون^{۳۷}، ۲۰۰۱). مطالعات اخیر در شمال عراق که دقیقاً قبل از جنگ خلیج فارس انجام شد و مطالعات در دست انجام در شمال سوریه به روشنی نشان می‌دهند که این انتقاد از بنیان‌های قوی برخوردار است. درواقع، همان‌گونه که هنری رایت (۲۰۰۱) و گفت‌وگوی شخصی، (۲۰۰۶) پیش‌گویانه اشاره کرده، بخش‌های منطقه سه‌گانه خابور^{۳۸} در میان‌رودان علیا برای تشكیل شهرنشینی در آغاز هزاره چهارم پیش از میلاد به همان میزان مستعد بوده که نواحی آبرفتی جنوب میان‌رودان.

با اینکه این یک اصلاح ضروری برای توصیف قبلی من از ماهیت جوامع عصر مس‌سنگی متأخر^{۳۹} در نواحی اطراف (محیطی) میان‌رودان آبرفتی است، داده‌های اخیر پرسش تحقیقی جدیدی برای ما مطرح می‌کنند: اگر جوامع (دولت‌های) نواحی آبرفتی به‌سختی دارای طبیعت و اندازه متفاوت با دیگر جوامع در حال توسعه آسیای جنوب غربی تا اوایل هزاره چهارم پیش از میلاد باشند، که اکنون به نظر می‌رسد این‌گونه باشد، چگونه می‌توان واگرایی شدیدی را که در سیر تاریخی میان‌رودان جنوبی و بقیه آسیای جنوب غربی در نیمه دوم هزاره چهارم پیش از میلاد مشاهده می‌شود توضیح داد؟ زمانی که نظام‌های شهری اولیه^{۴۰} میان‌رودان علیا که چند قرن پیش بسیار نویدبخش بودند، کوچک یا تجزیه شدند درحالی که دولت - شهرهای متمایل به توسعه^{۴۱} در میان‌رودان جنوبی، هم از نظر اندازه و هم از نظر پیچیدگی رشد کردند.

برای پاسخ به این پرسش کلیدی، لازم است موقتاً به جای تمرکز بر نواحی اطراف (جانبی یا محیطی) بیشتر به فرایندهای مورد استفاده در خود نواحی آبرفتی میان‌رودان توجه کنم. هدف این کتاب دقیقاً انجام همین مهم است؛ البته در چهارچوب شواهد موجود در زمان حال. کتاب حاضر استدلال‌هایی را تشریح می‌کند که در ابتدا به شکل محدود و مشروط در مقالات منتشرشده در مجلات انسان‌شناسی معاصر^{۴۲} و ساختار و دینامیک^{۴۳} بازتاب یافتند (الفازه، ۲۰۰۱ الف و ۲۰۰۵ ب). از آنجاکه بیشتر این شواهد ماهیت باستان‌شناسی دارند، برای بازسازی^{۴۴} جزئیات بافت تاریخی آغاز تمدن میان‌رودان کافی نیستند، بنابراین تلاش من اصولاً - و لزوماً - ماهیت قیاسی دارد. فرضیهٔ صریح من در این کتاب، این

است که فرایندهای توسعه شهری و منطقه‌ای در دنیای مدرن در جوهره خود، اگرچه مطمئناً نه از نظر جزئیات، مشابه همان فرایندها در دوران باستان است. از این‌رو، با مطالعه درک مدرن از اینکه چگونه شهرها مناطق داخلی خود را تشكیل، توسعه و شکل می‌دهند، می‌توانیم فرایندهایی را که اولین شهرها را به وجود آورده و همچنین نیروهای زیرساختی تشکیل‌دهنده اولین عدم تقارن‌های منطقه‌ای جهان را بهتر تصور کنیم. این فرض به من امکان می‌دهد چیزی را که از نظر من هم‌اکنون جدی‌ترین ضعف تحقیق قبلی‌ام بوده مد نظر قرار دهم؛ در حالی‌که آن کار به تشریح طرح کلی نظام غیرمتقارن در تعامل با میان‌رودان جنوبی در مرکز آن که تا نیمة دوم هزاره چهارم پیش از میلاد ظهور یافته بود، می‌پرداخت، مجموعه منسجمی از سازوکارها و فرایندها برای نشان دادن اینکه چگونه این نظام مأوفق منطقه‌ای در مرحله اول تکامل یافت را لحاظ نکرده بود.

به‌منظور از بین این ضعف، در آنچه آمده چنین استدلال می‌کنم که شرایط زیست‌محیطی^{۳۵} و جغرافیایی موجود در زمین‌های پست آبرفتی نظام رودخانه‌ای دجله و فرات در طول هزاره‌های چهارم و پنجم پیش از میلاد، موجب عدم تعادل منطقه‌ای در زمانیه قابلیت دسترسی و هزینه منابع متعدد شده است که این امر بهنوبه خود استفاده نخبگان اولیه میان‌رودان جنوبی از تجارت به عنوان یکی از مهم‌ترین ابزارها برای به‌دست آوردن مقام و قدرت را ممکن ساخت^{۳۶}. در انجام این کار، ادعا می‌کنم که الگوهایی درآمدت برای واردات - صادرات ایجاد شدند که ناخواسته از توسعه اقتصادی و جمعیت‌شناختی^{۳۷} جوامع (دولت‌های) جنوبی نسبت به سایر جوامع همسایه در طول هزاره چهارم پیش از میلاد حمایت می‌کردند.

برای توضیح این که چگونه این امر به وقوع پیوست، سناریوی فرضی - اما درنهایت آزمایش‌پذیر - خود را ارائه می‌دهم که در آن با آشکارشدن تبادلات در طول زمان، آثار فزاینده تجارت به افزایش تراکم و مجاورت جمعیت در مناطق آبرفتی میان‌رودان، در مقایسه با موارد مشابه در مناطق رقیب، منجر شد. این امر بهنوبه خود افزایش تعداد تعاملات ممکن بین افراد و گروه‌ها در مراکز اولیه سومری و درنتیجه تعداد تعاملات ممکن بین مراکز درحال توسعه را، که در مسافت‌های کوتاه واقع شده‌اند و از طریق حمل و نقل آبی بدراحتی به یکدیگر دسترسی داشتند، امکان‌پذیر کرد. تا نیمة دوم هزاره چهارم پیش از میلاد، این امر زمینه را برای ظهور نوآوری‌های مهم سازمانی در جوامع

(دولت‌های) اولیه سومری که تا آن زمان متنوع و بی‌شمار شده بودند، ایجاد کرد. شاخص‌ترین نوآوری‌ها شامل روش‌های جدید و کارآمدتر ساماندهی کار و همچنین روش‌های جمع‌آوری، پردازش و انتقال اطلاعات بود. این نوآوری‌ها بیش از عوامل دیگر توضیح می‌دهند که چرا دولت – شهرهای پیچیده، در قالب منطقه‌ای ساماندهی شده و متمایل به توسعه در جنوب عراق، زودتر از دیگر نقاط آسیای جنوب غربی یا جهان تکامل یافته‌ند.

پی‌نوشت‌ها

1. Charles Tilly
2. Big Structures, Large Processes, Huge Comparisons
3. world-historic
4. world-systemic
5. macrohistorical
6. microhistorical
7. Wallerstein
8. proletarianization
9. urbanization
10. capital accumulation
11. statemaking
12. bureaucratization
13. sumerian civilization
14. Uruk
15. Rothman
16. Kohl
17. Stein
18. Jack Goody
19. Michael Mann
20. Beinhocker
21. increasing returns to scale
22. Krugman
23. Emberling et al
24. Frangipane
25. Oates